



یادداشت

از وعده رفاه و آزادی تا فقر و کشتار

صادق کار



در سالگرد انقلابی که از آغاز به تسخیر ارتجاع درآمد

کانال شورای هماهنگی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در گزارشی به دستگیری ده‌ها تن از کارگران در شرکت‌های نفتی در جریان جنبش انقلابی دیماه و بعد از آن اشاره کرد و نوشت

در برخی از شرکت‌های هم جوار با همکاران پروژه ای و بهره برداری، رسمی، قراردادی و ارکان ثالث که در " اعتراضات شرکت داشته و مورد شناسایی قرار گرفته اند، برخورد امنیتی شده و شماری از آنان بازداشت شده اند. به گفته همکاران از ماه گذشته تا کنون حدود سی کارگر پروژه ای متخصص با پا در میانی و انتخاب مدیران شرکت عمران ساحل با پرداخت وثیقه های سنگین آزاد شده اند. اما باقی همکاران بازداشتی بدون حق ملاقات و تماس با خانواده های خود در یک سوله، متعلق به قرارگاه خاتم الانبیا نگهداری میشوند و برخی از کارگران بازداشتی با پرونده سازی های امنیتی به زندانهای بوشهر و شیراز منتقل گردیده اند. با توجه به نگهداری کارگران بازداشتی طی یک ماه گذشته در یک سوله کارگاهی و نبود "مکان ارتباطی با آنان، از وضعیت سلامتی این کارگران اخبار دقیقی در دسترس نیست

این سرکوبها البته تازگی ندارد، اما نکته قابل تامل آن است که این سرکوبها در سالگرد انقلابی انجام می شود، که کارگران بویژه کارگران نفت در پیروزی اولیه آن نقشی اساسی داشتند. حالا اما همان کارگران خود و فرزندانشان کشته و زندانی می شوند و برایشان در محل کار همانهایی که کشتار خونین مردم را سازمان دادند و به اجرا گذاشتند زندان خصوصی هم درست کرده‌اند. آخر زندانها از آزابخواهان پر شده است. رژیم مجبور است همچنان زندان بسازد

زندانی کردن کارگران در محل کار توسط قرارگاه خاتم الانبیا کارتلی که بخش بزرگی از پروژه‌ها و تاسیسات صنعتی را به انحصار خود درآورده و به هیچ بنی بشری هم پاسخگو نیست درست در سالگرد انقلابی که قرار بود (مستضعفان) یعنی آنهایی را که به امید رسیدن به زندگی بهتر با اعتصابات خود کمر رژیم دیکتاتوری سلطنتی را شکستند، از طنزهای تلخ روزگار ماست

اعتصاب کارگران بنا به قول و قرارهای داده شده توسط دارودسته خمینی در ماه های پیش از سقوط رژیم شاه ظاهرا بعد از سقوط دیکتاتور پیشین نمی بایست تداوم پیدا کند، چون ، به کارگران یا بقول خمینی مستضعفان وعده رفاه و آزادی، خانه، آب و برق مجانی و ... داده بودند. اگر اینها را تامین می کردند دیگر دلیلی برای اعتصاب باقی نمی ماند. اما اعتصابات در پی خلف وعده‌های پیاپی رژیم جدید و از سرگیری سرکوب کارگران و سازمانهای کارگری و تعرض به دست آوردهای مبارزاتی و تاریخی جنبش کارگری نه تنها



از سر گرفته شد بلکه بیشتر شد. با این احوال کشتار رهبران و اعضای احزاب و سازمانهای سندیکایی و شورایی و تکه تکه کردن واحدهای صنعتی به بخشهای جداگانه از هم نیز نتوانست مانع از افزایش و گسترش روز افزون اعتصابات و شورش در محلههای محروم شود.

اعتراضات به ویژه در دوران اجرای سیاستهای تعدیلی و نئولیبرالیستی حکومت به سرکردگی هاشمی رفسنجانی شتاب بیشتری گرفت و از آن پس تا کنون با تداوم سیاستهای دولت رفسنجانی توسط دولتهای بعدی و شخص خامنه‌ای ادامه پیدا کرده است و سالی نیست که تعداد اعتصابات و اعتراض مرز دوهزار را پشت سر نگذارد. سهم کارگران و محرومان فقط سرکوب و زندان و کشته شدن هنگام شورش و جنبش‌ها نبوده، فقر گسترده بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور از یکسو و ثروتهای افسانه‌ای برای وابستگان به قدرت از نتایج سیاستهای این حکومت مدعی عدالت است.

کارگران صنعت نفت با وجود اینکه با تشکیل شرکتهای پیمانی و محروم شدن از قوانین حمایتی محل‌های کارشان را تکه تکه کرده بودند تا هم ثروتهای نفتی را میان حامیان حکومت تقسیم کنند و هم امکان اعتصابات بزرگ را از میان بردارند در اعتراضات نقش پیشروانه پیدا کردند. در همین یک سال اخیر صدها اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی توسط کارگران شرکتهای نفتی انجام شده است که از سویی بیانگر نارضایتی گسترده آنان است و از سوی دیگر نشانه مرعوب نشدن آنان در مقابل سرکوبهای رژیم

طبقه کارگر هر آن چه را بدست آورده مدیون مبارزات خودش است که هزینه‌های گزافی نیز بابت آن متحمل شده است. در سالهای سیطره نیروهای ارتجاعی و عدالت ستیز به رغم همه‌ی مبارزات طبقه کارگر در اثر یورش مداوم و بی وقفه رژیم سرمایه داری حاکم و عوامل مختلف بخشی از نتایج مبارزات تاریخی خود را از دست داده است و در فقر کم سابقه‌ای گرفتار شده است.

به‌همین جهت بویژه بعد از کشتار هزاران زن و مرد آزاده و عدالتخواه هیچ رغبت و انگیزه‌ای برای مشارکت در مراسم‌های ضد انقلاب حاکم که روی جنازه‌های عزیزان شان بنام سالگرد انقلاب برگزار می‌شود ندارند.

کارگران نیز به مانند اکثر هموطنان خود عذر دار هستند، نگران ده‌ها هزار زن و مرد و کودک اسیر در زندانهای رژیم هستند، دلتنگ مادران و پدرانی هستند که عزیزان خود را از دست داده‌اند. دغدغه‌های مردم و رژیم متضاد هم هستند، مردم نگران کسانی هستند که گرانی و تورم سفره‌هایشان را خالی کرده است، نگران کودکان بازمانده از تحصیل، نگران بیمارانی که قدرت خرید داروی مورد نیاز خود را ندارند، نگران بازنشستگان، پرستاران، معلمان، کارگران و کارمندان هستند که قدرت خریدشان را از دست داده‌اند. عزادار صد دانشجو و صدها دانش‌آموزی هستند که با گلوله‌های جنگی پاسداران استبداد کشته شده‌اند.

بازتاب نارضایتی و میل به مبارزه حق خواهانه کارگران در قیامها و جنبشهای انقلابی عدالتخواهانه مشهود است. همین گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی که در بالا به آن اشاره شد خود گویای این واقعیت است که طبقه کارگر از مبارزات خود حتی در شرایط حاکمیت فاشیستی عقب نخواهد نشست. اینکه کارتل غارتگر، استثمارگر و سرکوبگر قرارگاه خاتم الانبیا متعلق به سپاه پاسداران، یعنی همان‌هایی که نقش اصلی را در کشتار مردم بیگناه و سرکوب خونین جنبش انقلابی دیماه به عهده داشته‌اند، نیز مانع از تداوم اعتصابات کارگری و اعتصاب (کارگران پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی) که ۶ روز است به رغم بازداشت ده‌ها کارگر مبارز و حق طلب تداوم پیدا کرده است، نشده و نخواهد شد. به همین جهت است که اعتقاد داریم انقلاب دیماه تمام نشده، همچنان ادامه دارد.



چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است! کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارت تشکیل دهیم!

منشاء های تاریخی فقر در کشورهای در حال توسعه بخش هفتم

فصلی از کتاب راهنمای آکسفورد در باره فقر و جامعه

سامبیت بهاتچاریا



جغرافیای نامتوازن توسعه = توسعه نامتوازن جغرافیایی؟

2. نظریه های علل ریشه ای فقر

2.3 جغرافیا و توسعه - ادامه

مشابه نظریه دایموند درباره نقش جغرافیا، اولسون (Olsson) و هیبس (Hibbs) و گالوپ (Gallup) و ساکس (Sachs)، همگی در سال 2000، بر نقش کشاورزی در تبیین سطوح کنونی توسعه تأکید می کنند. اولسون و هیبس نشان می دهند که به طور متوسط، کشورهای که سابقه طولانیتری در کشاورزی دارند، نسبت به کشورهای با سابقه نسبتاً کوتاهتر کشاورزی، ثروتمندتر هستند. کشاورزی بسیار پر بازده و سازمان یافته در اروپا حدود 9000 سال پیش آغاز شد. در مقابل، کشاورزی در آفریقا استوایی و شبه استوایی تقریباً بین 2000 تا 1800 سال پیش آغاز شده است. طول تاریخ کشاورزی همچنین با توسعه دولت همبستگی دارد. اروپا بسیار زودتر از آفریقا به برخی اشکال اولیه حکومت دست یافت. بنابراین شگفت آور نیست که اروپای معاصر از نظر اقتصادی به مراتب پیشرفته تر از آفریقای معاصر باشد.

با این حال، گالوپ و ساکس بر تأثیر کیفیت خاک بر بهره وری کشاورزی و توسعه اقتصادی تمرکز می کنند. آنان استدلال می کنند که رطوبت نسبی بالا و دمای بالای شبانه در مناطق گرمسیری موجب افزایش تنفس گیاه و کند شدن رشد آن می شود. این نقص در رشد گیاهان در مناطق گرمسیری همچنین با کمبود مواد مغذی در خاکهای گرمسیری مرتبط است. خاکهای مرطوب گرمسیری (آلفی سولها، اکسی سولها و اولتی سولها) معمولاً از نظر مواد مغذی و مواد آلی فقیر اند. این امر رشد گیاه را محدود می کند و همچنین موجب فرسایش و اسیدی شدن خاک می شود. افزون بر این، نبود یخبندان امکان بقای تعداد بیشتری از آفات و تکثیر آنها را فراهم می کند. این عوامل تأثیر تضعیف کننده ای بر بهره وری کشاورزی دارند و پیشرفت اقتصادی



را بازمی‌دارند. در مقابل، اروپا و مناطق معتدل از خاکهای یخچالی بسیار حاصلخیز و تعداد بیشتری از روزهای یخبندان برای از بین بردن آفات برخوردارند. از اینرو، بهره‌وری کشاورزی به مراتب بالاتر است.

ساکس و وارنر، و گالوپ و همکاران اش نشان دادند که جغرافیا همچنین می‌تواند محدودیتهای شدیدی بر تجارت و بازرگانی تحمیل کند. بسیاری از کشورها محصور در خشکی اند و در نتیجه دسترسی اندکی به بنادر و آبراه‌های قابل کشتیرانی اقیانوسی دارند یا هیچ دسترسی ای ندارند، که این وضع توان آنها را برای تجارت محدود می‌کند. دسترسی به بندر یا بازارهای بزرگ در چنین شرایطی غالباً مستلزم عبور از مرزهای بین‌المللی است که هزینه حمل‌ونقل را نسبتاً بالا می‌برد. تجارت بین‌المللی محدود در این اقتصادها، همه فعالیت‌های تجاری را به بازارهای داخلی کوچک محدود می‌کند. این وضعیت موجب تقسیم کار ناکارآمد و توسعه نیافتگی می‌شود. آفریقای درون قاره‌ای و برخی کشورهای آسیای مرکزی احتمالاً نمونه‌های خوبی از مخاطرات جغرافیای نامطلوب اند.

با وجود آن که کتاب تأثیرگذار جرد دایموند نقش جغرافیا و اقلیم را بار دیگر به مرکز توجه بازگرداند، کار دایموند به هیچ وجه نخستین اثر در این زمینه نیست. استدلال اقلیم و جغرافیا را می‌توان دست‌کم تا مونتسکیو دنبال کرد. او استدلال می‌کند که جمعیت مناطق گرمسیری به طور عمده به دلیل گرمای فرساینده انرژی، به اندازه کافی سختکوش نیستند. دسترسی طبیعی و فراوان به غذا نیز مردم مناطق گرمسیری را "تنبل" می‌کند. این امر تأثیری مستقیم و منفی بر بهره‌وری انسانی و در نتیجه رشد اقتصادی دارد. در یک مطالعه جدیدتر، پارکر (Parker) از استدلال مونتسکیو حمایت می‌کند. بنا بر تئوری او تمایل فرد برای پیشینه‌سازی مطلوبیت، به انگیزش، هم‌ایستایی (هومئوستاز) و تنظیمات عصبی خودمختار و هورمونی وابسته است. این عوامل فیزیولوژیک توسط هیپوتالاموس کنترل می‌شوند. فعالیت هیپوتالاموس به شدت به ترمودینامیک وابسته است. در شرایط گرم، هیپوتالاموس هورمون‌هایی ترشح می‌کند که بر انگیزش و کارآفرینی اثر منفی می‌گذارد؛ در حالی که در اقلیم سرد، افراد به طور طبیعی سختکوش‌تر اند. این گرایشها بر سطح درآمد حالت پایدار در این دو منطقه اثر می‌گذارد. میانگین درآمد حالت پایدار در اقلیم سرد به طور طبیعی بالاتر از میانگین حالت پایدار در اقلیم گرم است. از اینرو، اقلیم دو سوم تفاوت‌های درآمد سرانه میان مناطق گرمسیری و مناطق معتدل را توضیح می‌دهد.

از کارگران و مزد و حقوق بگیران و تهی‌دستان دعوت می‌کنیم از جنبش

سراسری نوین ایران حمایت و به آن پیوندند!

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

تاوان جنگ و تحریم‌های اقتصادی را مردم می‌پردازند، ما مخالف جنگ و

تحریم‌های اقتصادی فقرآور هستیم!



پیرامون محروم کردن کارگران ساختمانی از بیمه و تامین اجتماعی

صادق



در خبرها آمده بود که بیمه ۳۰۰ هزار کارگر ساختمانی از طرف تامین اجتماعی قطع شده است. علت قطع بیمه این کارگران ظاهراً بر اساس شیوه نامه‌ای انجام گرفته که مدتی پیش میان یکی از انجمن‌های صنفی با تامین اجتماعی مورد موافقت قرار گرفته است.

"عضو هیئت‌مدیره کانون کارگران ساختمانی کشور و استان خوزستان، با انتقاد از ناهماهنگی سامانه‌های بیمه و سازمان تامین اجتماعی گفت بیش از ۳۰۰ هزار کارگر ساختمانی در کشور از پوشش بیمه‌ای محروم شده‌اند و ثبت‌نام‌های پیشین از سامانه رفاه حذف شده است"

قطع بیمه ۳۰۰ هزار کارگر ساختمانی که در حوادث کار در صف اول قرار دارند، به هر دلیل که انجام گرفته است، به منزله محروم کردن آنان و خانواده‌هایشان از درمان و دارو در شرایطی است که قیمت دارو سر به فلک کشیده و ارزش دستمزدها روز به روز کمتر می‌شود و هزینه‌های درمان نیز روز به روز بیشتر می‌شود.

یک قانون من درآوردی که نام (شیوه نامه) بر آن گذاشته‌اند در یکی دو دهه گذشته به وسیله‌ای برای دور زدن قوانین حمایتی تبدیل شد است. طبق یکی از همین شیوه نامه‌ها تنها آن بخش از کارگران ساختمانی آنهم با قید و شروط فراوان می‌توانند تحت پوشش بیمه قرار بگیرند، که دوره‌های کارآموزی و حرفه‌ای را طی کرده باشند.

به وسیله این قانون کارگرانی که این دوره را نگذرانده باشند خود و خانواده‌هایشان از داشتن پوشش بیمه‌ای محروم می‌شوند و هزینه‌های دارو و درمان خود را باید شخصاً پرداخت کنند. با این شیوه نامه در واقع صدها هزار کارگر از شمول بیمه کنار گذاشته شده‌اند.

اما مشکل این گروه از کارگران ساختمانی فقط این نیست که از لیست خدمات بگیران تامین اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند، کارگرانی که تحت پوشش قرار دارند در صورتی که بعد از بیکاری طی سه ماه نتوانند کار پیدا کنند، بیمه‌شان تعلیق می‌شود و زمانی هم که کار پیدا می‌کنند برای مشمول بیمه شدن مجدد باید برای مدتی در صف نوبت بیمه قرار بگیرند و معلوم نیست اگر در این مدت بیمار شوند چکار باید بکنند. نکته دیگر در این شیوه نامه آن است که بخاطر قطع شدن بیمه‌شان روی بازنشستگی‌شان اثر منفی می‌گذارد و هم دیرتر بازنشسته می‌شوند و هم روی حقوق بازنشستگی‌شان اثر منفی می‌گذارد.

مسئله فقط دارو و هزینه درمان نیست، اگر در حین کار حادثه‌ای برای کارگری رخ دهد و کارگری دچار نقص عضو یا از کار افتاده بشود تامین اجتماعی به آسانی به بهانه نداشتن بیمه حاضر به دادن حقوق از کار افتادگی به آسیب دیده نیست.



در چنین مواردی صاحب کار باید مبلغ ناچیزی به عنوان دیه به کارگر پرداخت کند که به هیچ وجه هزینه زندگی آسیب دیده را تامین نمی کند.

به بیانی دیگری سازمان تامین اجتماعی با ترفندی بنام شیوه نامه صدها هزار کارگر را از درمان بیمه‌ای که حق قانونی آنهاست بصورتی غیر قانونی کنار می گذارد

این به اصطلاح صرفه جویی‌ها اگر لاقل در جهت تقویت بنیه مالی تامین اجتماعی خرج می شد یک چیزی بود، اما در شرایطی که ما می بینیم سرمایه‌ها و اندوخته‌های تامین اجتماعی ده‌ها سال است که بوسیله دولتهای وقت به غارت برده شده و بدهی دولت به این سازمان روز به روز نجومی تر می شود حذف این همه کارگر از شمول قانون به هیچ عنوان توجیه پذیر نیست.

بیمه و درمان رایگان به عنوان حق شهروندی که در قانون خود حکومت نیز به رسمیت شناخته شده باید در مورد همه ی شهروندان حتی بیکاران اجرا شود. اما متأسفانه می بینیم حتی در مورد کسانی که ۳۰ سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند نیز این قانون اجرا نمی شود و سهم بیمه شدگان اعم از شاغل و بازنشسته از هزینه دارو و درمان سال به سال بیشتر شده است تا آنجا که تحت عنوان بیمه تکمیلی هزینه عمل جراحی و مداوای بیماران نیازمند جراحی به عهده خود بیمه شدگان گذاشته شده و بخشی از بیمه سلامت به شرکتهای بیمه خصوصی واگذار شده است.

متأسفانه تسلط دولت از طریق نصب مدیران دولتی همراه با تداوم غارت منابع تامین اجتماعی به غیر از این که باعث کاهش روز افزون خدمات بیمه‌ای به صاحبان واقعی تامین اجتماعی شده است، بلکه این سازمان عظیم و پر اهمیت کشور را بسوی افلاس و ورشکستگی پیش می راند. بهمین سبب فشار برای از بین بردن تسلط دولت و مدیریت دولتی که نقش دست غارت دولت را به عهده دارد اولین اقدام عاجلی است که باید انجام گیرد. تا هم این سازمان بتواند خدمات بهتری به بیمه شدگان ارائه دهد هم جلوی دست درازی دولت که موجودیت تامین اجتماعی را به مخاطره انداخته است گرفته شود. مدیریت تامین اجتماعی باید در اختیار نمایندگان منتخب و تامین کنندگان درآمد این سازمان قرار بگیرد.

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

انحطاط اخلاقی در نبود اقتصاد و آزادی؟

رسول بداغی



بشر امروزی احساس ترس و تنهایی می کند ، ریشه ی این ترس هم‌نوعان هستند ، اندک انسان‌هایی کههمه چیز را برای خودمی خواهند و احساس برتری جویی میکنند.به نام دین ، به نام زبان ، به نام قبیله و



این خطر برای مردم کشورهای دیکتاتور زده، بیشتر به چشم می خورد، آنها زودتر به سوی انحطاط اخلاقی به پیش می روند، مردم کشورهای فقیر به دو دلیل دچار انحطاط اخلاقی می شوند.

1 فقر اقتصادی: در فقر اقتصادی انسان به هر گونه رفتار غیر اخلاقی دست میزند تا زنده بماند. و این رفتارها در نهاد اوتبدیل به اخلاق، روش و فلسفه ی زیستی او و فرزندانش می شود.

2 سرکوب آزادی خواهی: نیاز به آزادی که پس از نیازهای نخستین، بزرگترین نیازی است که در سرشت انسان نهاده شده.

مردم این سرزمین ها بجز همبستگی و جمع کردن قدرت اندک، خورد خورد و سلولوژی خود هیچ رهایی بخشی ندارند.

این فقط کشورهای فقیر نیستند که دچار انحطاط اخلاقی می شوند، کشورهای ثرتمند دنیا مانند انگلستان، آمریکا، سوئیس و... هم به گونه ای دیگر از این انحطاط اخلاقی رنج می برند، کشورهای ثرتمند بویژه دولتهای آنان همه چیز را قربانی پول و ثروت میکنند. اگر ثروت ورفاه کاهش داده شود، به خاطر اینکه مزه ی رفاه را بیشتر چشیده اند آسان تر اخلاق را از یاد می برند.

در جهانی که تغییرات و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با شتابی بی سابقه رخ می دهند، دغدغهی اصلی بسیاری از ما چیزی فراتر از مشکلات فردی است: نگرانی از انحطاط اخلاقی جامعه. انسانی که دیر یا زود در معرض شوکها و فشارهای سیستماتیک قرار می گیرد، با ترس، دلتنگی و تنهایی مواجه می شود و گاه در لاک افسردگی فرو می رود. این وضعیت نشان می دهد که اخلاق، به رغم نسبت و تغییرپذیری، همچنان شیرازه ی بشریت است.

اخلاق، مانند بسیاری از متغیرهای هستی، نسبی است و تغییر می کند. اما برخلاف تغییرات طبیعی دیگر—گردش زمین، گذر عمر، پیر شدن انسان—که آرام و بی خبر از روان ما رخ می دهند، شوکهای ناگهانی و غیرطبیعی، به ویژه توسط دیکتاتوریها یا قدرت های سرکوبگر، می توانند ساختار اخلاقی جامعه را مختل کنند. این شوکها ترس و ناامنی را در وجود انسان نفوذ می دهند و فرد و جمع را از مسیر درستکاری و راستگویی منحرف می کنند.

اما در همین شرایط، امید وجود دارد. تجربه نشان می دهد که شیرازه ی اخلاقی جامعه در طول زمان مقاوم است و این مقاومت، در عمل انسانها تجسم می یابد. افرادی مانند معلمان شجاع، فعالان مدنی، ورزشکاران، روشنفکران و کسانی که با وجود فشارها و تهدیدها، از ارزشهای اخلاقی دفاع می کنند، نمونه های زنده ی بازتولید شیرازه ی اخلاقی هستند. این عملهای کوچک، اگر جمع شوند، می توانند جوامع را از سقوط اخلاقی نجات دهند.

چگونه می توان ترس و نگرانی از انحطاط اخلاقی را به نقشه های عملی تبدیل کرد؟

شناسایی منابع شوک 



نخستین قدم، شناخت دقیق عواملان فشار و سرکوب است: دیکتاتوری‌ها، نهادهای فاسد، و دروغ‌های سیستماتیک. آگاهی از این منابع به ما کمک می‌کند که ترس را متمرکز و هدفمند کنیم و نه پراکنده و فلج‌کننده.

◆ محدود کردن اثر روانی شوک‌ها

با درک این واقعیت که اخلاق جامعه در طول زمان مقاومت می‌کند، می‌توان ترس را به عاملی سازنده تبدیل کرد. شوک‌های مقطعی نباید باعث رها کردن اصول و ارزش‌ها شود.

▲ عمل به اخلاق در مقیاس کوچک اما پیوسته

هر فرد می‌تواند با اعمال کوچک اما معنادار، مانند صداقت، درستکاری، حمایت از دیگران و روایتگری حقیقت، شیرازه‌ی اخلاقی را تقویت کند. این اقدامات، علاوه بر حفظ انسانیت، باعث بازتولید اعتماد اجتماعی و امید در جامعه می‌شوند.

◆ شبکه‌سازی انسانی

افراد با ایجاد شبکه‌های کوچک اخلاقی—خانواده، دوستان، همکاران و انجمن‌های مدنی—می‌توانند از اثرات شوک‌های اجتماعی بکاهند و ارزش‌ها را حفظ کنند.

✳ جمع‌بندی

ترس و دلتنگی در مواجهه با انحطاط اخلاقی جامعه، طبیعی و انسانی است. اما می‌توان این احساس را به آگاهی و عمل اخلاقی تبدیل کرد. همان‌طور که زمین آرام می‌چرخد و عمر می‌گذرد، جامعه نیز ظرفیت بازیابی و تداوم اخلاق را دارد؛ با این تفاوت که این بازیابی نیازمند شجاعت، مراقبت و تلاش مستمر انسان‌هاست. هر عمل درست، هر صداقت و هر مقاومت کوچک، شیرازه‌ی اخلاق را تقویت می‌کند و تضمین می‌کند که انسانیت، حتی در شرایط سخت، از بین نمی‌رود.

منبع: کانال تلگرام نویسنده

از کارگران و مزد و حقوق بگیران و تهی‌دستان دعوت می‌کنیم از جنبش

سراسری نوین ایران حمایت و به آن بپیوندند!

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

تاوان جنگ و تحریم‌های اقتصادی را مردم می‌پردازند، ما مخالف جنگ و

تحریم‌های اقتصادی فقرآور هستیم!



مبارزات صنفی، کارگری دیروز، امروز و چشم انداز

بهر روز فدایی



تشکلهای صنفی کارگری پس از انقلاب

بخش چهارم

برخی از تشکلهای صنفی کارگری در جمهوری اسلامی در تقابل با ساختار رسمی قدرت شکل گرفته‌اند؛ خیلی‌ها نیز اهداف صنفی را دنبال می‌کردند، با این حال هر دو گرایش یکی بعد از دیگری سرکوب شدند. بنابراین اغلب عمر کوتاه، دستاوردهای محدود داشتند و سرانجام سرکوب شده‌اند، با این حال، همین تشکلهای مهم‌ترین تجربه‌های سازمان‌یابی مستقل کارگری در ۴۵ سال گذشته را رقم زده‌اند

در ادامه، مهم‌ترین تشکلهای را به صورت تاریخی، همراه با نقش‌آفرینان، دستاوردها و سرنوشت شان مرور می‌کنیم

شوراهای کارگری و کارخانه‌ای (۱۳۵۷-۱۳۶۰)

تشکلهای

شوراهای کارگری در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی

شوراهای کنترل کارگری (در برخی صنایع بزرگ)

نقش‌آفرینان

کارگران پیشرو کارخانه‌ها

فعالان چپ (فداییان، حزب توده و دیگر نیروهای چپ همچنین نیروهای مستقل)

کارگران صنعت نفت، ذوب‌آهن، خودروسازی، نساجی

دستاوردها

مشارکت مستقیم کارگران در مدیریت

افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار در سالهای اولیه بعد از انقلاب بهمن

«تثبیت عملی «حق دخالت کارگر در تصمیم‌گیری

سرانجام



انحلال و جایگزین آنها با شوراهای اسلامی کار

سرکوب فعالان مستقل

حذف کامل شوراهای واقعی تا اوایل دهه ۱۳۶۰

درس تاریخی: خودسازمان‌یابی کارگری بدون پشتوانه سیاسی-حقوقی پایدار، دوام نمی‌آورد

شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر (تشکل‌های رسمی)

تشکل‌ها

شوراهای اسلامی کار

خانه کارگر

کانون عالی شوراهای اسلامی کار

نقش‌آفرینان

دولت جمهوری اسلامی

روحانیون نزدیک به حکومت

مدیران دولتی و امنیتی

دستاوردها

برخی خدمات رفاهی جزئی

حضور نمایشی در نهادهای تصمیم‌گیری

کانال ارتباطی کنترل‌شده بین دولت و کارگران

سرانجام

باقی‌ماندن به‌عنوان نهاد رسمی

بی‌اعتمادی گسترده کارگران

ایفای نقش کنترلی به‌جای نمایندگی واقعی

تفاوت با سندیکا: این نهادها مستقل نیستند و امکان چانه‌زنی واقعی ندارند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران (احیا از ۱۳۸۳)

نقش‌آفرینان کلیدی



منصور اسانلو

ابراهیم مددی

رضا شهابی

داود رضوی و عده‌ای دیگر

فعالان باسابقه کارگری

دستاوردها

احیای مفهوم سندیکای مستقل پس از دو دهه سرکوب

بسیج هزاران کارگر حمل‌ونقل

طرح علنی حق تشکل مستقل در سطح جامعه

سرانجام

بازداشت و زندانی‌شدن رهبران

اخراج گسترده فعالان

تضعیف تشکل، اما حذف کامل نشد

اهمیت تاریخی: نقطه عطف بازگشت سندیکالیسم مستقل در ایران

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه (احیا از ۱۳۸۷)

نقش آفرینان کلیدی

اسماعیل بخشی

علی نجاتی و چند تن دیگر

جمعی از کارگران باسابقه مجتمع

دستاوردها

پیوند مبارزه صنفی و مبارزه با خصوصی‌سازی

افشای مسئله فساد ساختاری در واگذاری‌ها

جلب حمایت افکار عمومی سراسری

سرانجام



بازداشت و پرونده‌سازی برای فعالان

تعليق عملی سندیکا

تداوم اعتراضات، اما بدون نهاد رسمی فعال

تجربه نو: عبور از مطالبه مزدی به نقد سیاست‌های کلان اقتصادی

تشکل‌های معلمان

تشکل‌ها

کانون هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

انجمن‌های صنفی معلمان استان‌ها

نقش‌آفرینان

صدها تن از فعالان صنفی آموزشی

دستاوردها

اعتراضات سراسری هماهنگ

پیگیری مطالبات معیشتی و اجتماعی مانند تحصیل رایگان، آموزش به زبان مادری، مخالفت و مبارزه با خصوصی و پولی سازی آموزش و دفاع از حقوق کودکان و انش آموزان

پیوند صنف و جامعه مدنی

سرانجام

زندان و محرومیت شغلی فعالان

تداوم فعالیت به رغم سرکوب‌های شدید و پرهزینه تشکل‌ها

حفظ بقا به‌عنوان پایدارترین تشکل صنفی مستقل

اعتراضات کارگران پروژه‌ای، نفت، فولاد، معادن (دهه ۱۳۹۰ به بعد)

ویژگی‌ها

فاقد تشکل رسمی

سازمان‌یابی شبکه‌ای و غیرمتمرکز

استفاده از رسانه‌های اجتماعی



دستاوردها

افزایش دستمزد در برخی مقاطع

هماهنگی بین کارگران مناطق مختلف

فشار مقطعی بر کارفرما و دولت در راستای دفاع و مبارزه برای حقوق کارگران

سرانجام

تداوم چرخه اعتراض-

جمع‌بندی سرنوشت تشکلهای کارگری در جمهوری اسلامی

تشکل	دستاورد اصلی	سرانجام
شوراهای کارگری	مشارکت واقعی	انحلال
شوراهای اسلامی	کنترل دولتی	تداوم بی‌اعتبار
شرکت واحد	احیای سندیکا	سرکوب، تضعیف
هفت‌تپه	نقد خصوصی‌سازی	تعلیق عملی
معلمان	اعتراض سراسری	بقا با هزینه بالا
پروژه‌ای‌ها	قدرت عددی	بدون نهاد پایدار

نتیجه نهایی

تشکلهای صنفی کارگری در جمهوری اسلامی

شکل گرفتند، اما نهادینه نشدند

دستاورد آفریدند، اما تثبیت نشدند

رهبر پرورش دادند و هزینه سنگین متحمل شدند، اما مرعوب نشدند

تجربه ۴ دهه اخیر نشان می‌دهد

مسئله اصلی جنبش کارگری ایران نه فقدان اعتراض،

بلکه فقدان آن.



زنده باد همبستگی کارگران!

متحد و متشکل علیه سیاستهای شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!



...، برای رویاهای ناتمام [\[PDI\]](#) نیمکت‌های خالی [\[RLI\]](#) # برای

چهارشنبه ۲۹ بهمن: اعتصاب و عزای عمومی در مدارس ایران

بیش از ۲۳۰ کودک و نوجوان کشته شده‌اند

امنیت، کرامت و حق زندگی دانش‌آموزان را نمی‌توان به تعویق انداخت

ما نیمکت‌های خالی را عادی نمی‌کنیم

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



بیانیه مجمع کارگران ذوب‌آهن اصفهان در چهل‌م جان‌باختگان دی‌ماه

...چهل روز گذشته است

چهل روز که هر صبح این سرزمین با نام شما بیدار می‌شود

و هر شب با یاد شما آرام نمی‌گیرد

چهل روز که دلهای ما میان داغ و غرور،

میان اشک و ایستادگی،

میان اندوه و عهد،



رفت و برگشت کرده است.
شما رفتید، اما نبودنتان سکوت نیاورد؛
فریادی شدید که در جان مردم پیچید
و معنای «ایستادن» را دوباره معنا کرد.
شما با رفتنتان، ما را از خواب‌های طولانی بیرون کشیدید
و نشان دادید که انسان،
حتی وقتی زخم می‌خورد،
می‌تواند بلند بایستد و روشن بماند.
امروز، در چهلم شما،
ما گرد آمده‌ایم نه فقط برای سوگواری،
بلکه برای شهادت دادن به بزرگی‌تان؛
برای اینکه بگوییم
شما فقط نام‌هایی بر سنگ نیستید،
شما فصل تازه‌ای از تاریخ این سرزمینید
شما چراغ‌هایی هستید که خاموش نمی‌شوید،
حتی اگر بادهای سخت از هر سو بوزند
چهل روز است که مادران،
با عکس شما حرف می‌زنند؛
پدران، با بغض فروخورده راه می‌روند؛
و جوانان، با نام شما امید می‌سازند
چهل روز است که کارگران،
در دل کوره‌های داغ،
در میان آتش و آهن،
نام شما را زیر لب زمزمه می‌کنند



و از استقامت شما نیرو می‌گیرند
شما رفتید،

اما ما مانده‌ایم با مسئولیتی سنگین‌تر از همیشه

اینکه نگذاریم یاد شما

در هیاهوی روزمرگی‌ها گم شود

اینکه نگذاریم آرمانتان

در غبار فراموشی دفن گردد

اینکه راهی را که با شجاعت آغاز کردید،

با قدم‌های استوار ادامه دهیم

امروز، در چهل‌م شما،

ما کارگران ذوب‌آهن اصفهان

با دستانی پینه‌بسته و دل‌هایی داغدار،

با صدایی که از عمق رنج و ریشه می‌آید،

اعلام می‌کنیم:

جاویدنامان،

شما نه فقط فرزندان خانواده‌های خود،

که فرزندان این خاکید

شما نه فقط یادگاران یک روز،

که چراغ راه نسل‌های آینده‌اید

...آرام بخوابید

ما بیداریم

ما ایستاده‌ایم

و ما ادامه‌دهنده‌ی راه روشن شما خواهیم بود

با احترام، با اندوه، و با عهدی که هرگز نمی‌شکند



از طرف مجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

نه_به_اعدام

اعدام قتل عمد حکومتی است باید برچیده شود

محاکمه آمرین و عاملین قتل عام دیماه ۱۴۰۴

زندانی_سیاسی_آزاد_باید_گردد

اتحاد بازنشستگان



اعتصاب غذای مسعود فرهیخته و زرتشت احمدی راغب

بنا بر اخبار واصله مسعود_فرهیخته معلم زندانی و زرتشت_احمدی_راغب دو زندانی محبوس در زندان مرکزی کرج در نامه‌ای مشترک در اعتراض به کشتار مردم در اعتراضات دی ماه از روز پنجشنبه ۲۲ بهمن به مدت دست زده اند متن نامه این دو زندانی چنین است [اعتصاب غذا](#) #یک هفته به

اینجانب مسعود فرهیخته به همراه دوستانم جناب زرتشت احمدی راغب به مدت یک هفته از تاریخ ۲۲ بهمن با نام و یاد همه‌ی کسانی که در اعتراضات دیماه به گلوله بسته شدند، دست به اعتصاب غذا خواهیم زد و اعلام بیزاری و انزجار خود را علیه دستگاه جنایت و دیکتاتوری ابراز می‌داریم که با سازماندهی نیروهای سرکوب، آتش افروزی و کشتار مردم را به فجیع‌ترین حالت صورت دادند و مردم جان به لب آمده و معترض و مخالف را در خیابان‌ها به گلوله بستند.

ما همچنان خواهان انتخابات آزاد طبق قانون اساسی جدید و پایان خشونت، اعدام، کشتار، سانسور، استبداد و دیکتاتوری و همین‌طور رعایت حقوق بشر و کرامت تمامی انسان‌ها با هر علقه و عقیده‌ای هستیم.

مردم ایران لیاقت آزادی و دموکراسی فراگیر دارند. ما (مسعود فرهیخته و زرتشت احمدی راغب) همبستگی و اتحاد مردم سرزمینمان از درون و بیرون را تنها راه‌هایی در مسیر درست تاریخی برای آزادی و عدالت می‌شماریم.





کارگران و دهقانان در یک اعتصاب گسترده متحد شدند

خاطرنشان می‌کند که ده اتحادیه مرکزی کارگری هند به طور مشترک فراخوانی برای اعتصاب "WFTU" عمومی سراسری داده‌اند. مسائل پیش روی اعتصاب شامل حقوق اساسی اتحادیه‌های کارگری طبقه کارگر هند و مردم زحمتکش این کشور است.

در بیانیه‌ای همبستگی (WFTU)، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری WFTU به گزارش ایلنا و به نقل از خود را با طبقه کارگر هندوستان که یک اعتصاب عمومی سراسری از روز سه شنبه این هفته برگزار می‌کند، ابراز کرده است.

خاطرنشان می‌کند که ده اتحادیه مرکزی کارگری هند به طور مشترک فراخوانی برای اعتصاب WFTU عمومی سراسری داده‌اند. مسائل پیش روی اعتصاب شامل حقوق اساسی اتحادیه‌های کارگری طبقه کارگر هند و مردم زحمتکش است.

در این بیانیه آمده است:

ما با کمال تأسف و تأثر متوجه هستیم که دولت راست‌گرای نارندرا مودی هند چهار قانون کار را تصویب و «ابلاغ کرده است که جایگزین ۲۹ قانون کار هند (مصوب مجلس این کشور) شده‌اند. این قوانین کار به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به شدت به حق تشکل، حق چانه‌زنی جمعی و حق اعتصاب ضربه بزنند. اعتصاب مشترک اتحادیه‌های کارگری هند خواستار لغو کامل این قوانین کار ضد کارگری به همراه «شرام شاکتی نیتی، ۲۰۲۵» است.

از دیگر خواسته‌های مهم می‌توان به مخالفت شدید با حملات اقتصادی به مردم زحمتکش ناشی از جهانی‌سازی امپریالیستی اشاره کرد. در بیانیه مشترک اتحادیه‌های کارگری اعتصاب‌کننده آمده است: «دولت کشور به دستور کار خصوصی‌سازی و فروش کلیه شرکت‌های استراتژیک بخش عمومی و خدمات عمومی مانند راه‌آهن، بندر و اسکله، معادن زغال سنگ، نفت، فولاد، دفاع، جاده‌ها، فرودگاه‌ها، بانک‌ها، بیمه، مخابرات، پست، انرژی اتمی، تولید و تأمین برق و غیره به شرکت‌های بزرگ هندی و خارجی ادامه می‌دهد و بدین ترتیب رشد صنعتی بومی و اقتصاد خودکفا را به خطر می‌اندازد. تجاری‌سازی آموزش و بهداشت ضربه شدیدی به مردم وارد می‌کند زیرا آن‌ها نمی‌توانند هزینه‌های غیرقابل تحمل را بپردازند.

قیمت کالاهای اساسی به طور بی‌وقفه در حال افزایش است. با افزایش نابرابری‌ها، تعداد بسیار زیادی از بار دیگر بر این باور (WFTU) مردم به زیر خط فقر رانده می‌شوند.» فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری است که تعمیق بحران سیستماتیک سرمایه‌داری، حمله به مردم زحمتکش در سراسر جهان را تشدید می‌کند.

اعتصابات در هند به دلیل گستردگی طبقه کارگر این کشور، همواره از اهمیت بین‌المللی ویژه‌ای برخوردار است. این بار اتحاد کارگران-دهقانان-کارگران کشاورزی در هند بی‌نظیر است. با مشارکت کشاورزان و کارگران کشاورزی در اعتصاب ۱۲ فوریه، این اعتصاب ابعاد بی‌سابقه‌ای خواهد یافت و پیام قوی از اقدام مبارزاتی طبقاتی را به طبقه کارگر در سراسر جهان منتقل خواهد کرد.



با ۱۰۵ میلیون عضو خود در ۱۲۳ کشور، حمایت کامل خود را (WFTU) فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از خواسته‌ها و اقدامات طبقه کارگر و دهقانان هند ابراز می‌کند و برای موفقیت چشمگیر اعتصابات آرزوی موفقیت دارد. فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری همچنین از هشدار اتحادیه‌های کارگری مبنی بر اینکه «اعتصاب ۱۲ فوریه باید پیام قوی‌ای داشته باشد، حمایت می‌کند اگر دولت همچنان قوانین کار را دنبال کند،» اتحادیه‌های کارگری مرکزی مجبور خواهند شد به سمت اقدامات قوی‌تری بروند



یاسر احمدی نژاد باید آزاد شود

اخراج و بازداشت یکی از نمایندگان کارگران در پارس جنوبی

تمامی همکاران پروژه ای پارس جنوبی زندانی باید آزاد شود

تمامی بازداشت شدگان سرکوب خونین دیماه توسط حکومت باید آزاد شوند

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی همکاران شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) یاسر احمدی نژاد همکاری اخراجی ما از شرکت ملی حفاری در شانزدهم بهمن ماه توسط نهادهای امنیتی حکومت بازداشت و هم اکنون در زندان دهمدهشت بسر میبرد

یاسر احمدی نژاد نماینده مستقل کارگران ملی حفاری است که در سال‌های اخیر بخاطر پیگیری مطالبات همکاران بارها با مدیریت فاسد و پیمانکاران دزد و مفتخور نفت رودرو شد و بارها زد و بند و دزدهای مدیران از همین رو در جریان اعتراضات همکاران ارکان ثالث ملی حفاری در دو . ناظر پروژه با پیمانکاران را افشا کرد سال گذشته با پرونده سازی حراست ملی حفاری در نهادهای امنیتی اخراج شد . اما زیر فشار اعتراض .گسترده همکاران ارکان ثالث نفت به کار خود بازگشت

اما او همچنان حاضر به سکوت در برابر تضییع حقوق کارگران نگردید و در نهایت از کار اخراج گردید. اما او بلافاصله بعد از اخراج مجدد خود از کار با شرکت در آزمون دانشگاه و قبولی وکالت با هدف احقاق حقوق کارگران، بر علیه فساد ساختاری نفت اعتراضش را دنبال کرد

یاسر احمدی نژاد در جریان اعتراضات زن زندگی آزادی سال ۱۴۰۱ و از آغاز اعتراضات اخیر مردمی، علیه بساط رانت خواری حاکم و سرکوبگریهای حکومت همواره کنار مردم ایستاد. و اکنون بخاطر همه این مبارزاتش بازداشت و در زندان بسر میبرد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت همراه با همکاران خود در شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت برای آزادی فوری و بدون قید و شرط یاسر احمدی نژاد، همکاران پروژه ای بازداشتی که در اسارت خاتم الانبیا بسر میبرند و همه دستگیری شدگان انقلابی دیماه تاکید کرده و از همه بخش های کارگری و بویژه کارگران شاغل در نفت میخواهد که همگی دست در دست هم با کارزاری سراسری برای آزادی این عزیزان به میدان بیاییم



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت-۲۲ بهمن ۱۴۰۴



گواهی فوت کودک ۱۳ ساله کار که به ضرب گلوله در نازی آباد کشته شد و پیکرش تا مدتها رها شده بود بنا به گزارشها، ابوالفضل وحیدقلجه میدان متولد ۲۹ بهمن ۱۳۹۰، بعد از فوت مادرش به دلیل کرونا بدون سرپرست بود و به جای مدرسه مشغول کار شده بود. مطابق سند گواهی فوت، او در روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه کشته شده؛ اما تا بیش از ۲۵ روز بعد شناسایی و تدفین نشده است.

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت می کنیم!

همه با هم از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق متناسب با هزینه های واقعی زندگی حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>